



داستان دی ۱۳۹۶

- بهانه اعتراض:** شروع اعتراضات از مشهد به دلیل افزایش قیمت‌ها بویژه قیمت کالاهای اساسی و تصمیمات اقتصادی دولت‌بود؛معترضان از افزایش تورم و ناتوانی در تأمین معیشت خود نگران بودند.
- جرقه اعتراض:**افزایش قیمت‌ها،بویژه‌افزایش قیمت کالاهای اساسی به همراه مشکلات اقتصادی، بیکاری و فساد در دولت؛ اعتراضات به طور غیرمنتظره‌ای در مشهد آغاز شد و سپس به سایر شهرها و مناطق ایران گسترش یافت.
- بستر اعتراض:** اعتراضات عمدتاً معیشتی بود بویژه در زمینه مشکلات اقتصادی، بیکاری و فساد
- جغرافیای اعتراض:** اعتراضات ابتدا در مشهد شروع شد و به سرعت به شهرهای بزرگ گسترش یافت. شهرهایی مانند تهران، اصفهان، کرج، شیراز، تبریز و اهواز نیز شاهد تظاهرات و درگیری‌های خیابانی بودند.
- قشر معترض:** عمدتاً طبقات فقیر، کارگران و جوانان با دغدغه‌های اقتصادی و معیشتی؛ قشرهای مختلفی که به مشکلات اقتصادی روزمره و بی‌ثباتی معیشتی معترض بودند.
- صنف معترض:** کارگران، افراد طبقه پایین اقتصادی و اقشار کم‌درآمد که بیشترین فشار اقتصادی را متحمل شده بودند.
- طبقه یا کارگزار معترض:** طبقات پایین، کارگران و بعضاً بازاریان که از شرایط اقتصادی و سیاست‌های دولتی ناراضی بودند.
- نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها:** در این اعتراضات برخلاف اعتراضات قبلی، رهبری خاصی به طور واضح وجود نداشت. اعتراضات به صورت خودجوش و بدون رهبری مشخص از سوی احزاب سیاسی یا گروه‌های مدنی شکل گرفت.

- بهانه اعتراض:** افزایش قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ به طور ناگهانی و بدون اطلاع‌رسانی قبلی که باعث آغاز اعتراضات گسترده در سراسر کشور شد.این افزایش قیمت بنزین به‌طور مستقیم بر هزینه‌های معیشتی مردم تأثیر گذاشت و نارضایتی‌های اجتماعی را تشدید کرد.

- جرقه اعتراض:** تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین بویژه در شرایط اقتصادی دشوار و فشارهای ناشی از تحریم‌ها به عنوان عامل اصلی جرقه اعتراضات بود.

- بستر اعتراض:** اغتشاشات آبان ۱۳۹۸ عمدتاً به صورت معیشتی و اقتصادی بود. افزایش قیمت بنزین بر بسیاری از کالاها و خدمات تأثیر گذاشت و وضعیت اقتصادی کشور را به بحران کشاند اما عمده مساله به شک ناگهانی اقتصادی باز می‌گشت. معترضان نگران از مشکلات معیشتی و فشارهای اقتصادی خواستار اصلاحات فوری و مقابله با سوءمدیریت بودند.
- جغرافیای اعتراض:** این اعتراضات تقریباً در تمام شهرهای ایران، از جمله تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، اهواز و مشهد مشاهده شد. بویژه در شهرهای بزرگ، اعتراضات به سرعت گسترش یافت و با خشونت و درگیری‌های خیابانی گسترده همراه بود اما مناطق حاشیه‌ای و فقیرنشین بیشترین میزان اعتراضی را داشتند.
- قشر معترض:** طبقات پایین اقتصادی، کارگران، بازاریان و خانواده‌های کم‌درآمد که بیشترین فشار اقتصادی را تحمل می‌کردند. همچنین جوانان و برخی اقشار تحصیلکرده نیز در اعتراضات حضور داشتند.
- صنف معترض:** معترضان عمدتاً از طبقات کم‌درآمد و قشرهای آسیب‌پذیر جامعه بودند. در برخی مناطق، اعتراضات از سوی قشرهای متوسط جامعه نیز پشتیبانی شد. برخی گروه‌ها مانند رانندگان تاکسی، موتورسواران و کارکنان کارگاه‌ها نیز در اعتراضات مشارکت داشتند.
- طبقه یا کارگزار معترض:** طبقات پایین و متوسط جامعه، کارگران و اقشار تحصیلکرده که با مشکلات اقتصادی و معیشتی درگیر بودند. گروه‌های مدعی حقوق بشر نیز به طور غیرمستقیم در اعتراضات حضور داشتند.
- نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها:** اعتراضات آبان ۱۳۹۸ نضت به‌صورت خودجوش و بدون رهبری روشن و سازمان‌دهی‌شده شکل گرفت اما در

- همین سطح نماد و سازماندهی توسط گروه‌های برانداز، سلطنت‌طلب، منافقین و جدایی‌طلب اتفاق افتاد. معترضان از طریق شبکه‌های اجتماعی و از راه‌های مختلف، اغتشاشات و آشوب را گسترش دادند.

- نوع کنش اعتراضی:** اعتراضات به صورت تظاهرات خیابانی و شورش در بسیاری از شهرها شکل گرفت. همچنین برخی معترضان از نمادهای خشونت‌آمیز مانند آتش زدن اموال عمومی، تخریب بانک‌ها و ساختمان‌ها استفاده کردند. این آشوب بر رویه‌ی مورد با درگیری‌های شدید بین معترضان و نیروهای انتظامی و امنیتی همراه بود.

- مطالبات اصلی معترضان:** مطالبات اولیه معترضان بیشتر به مشکلات اقتصادی و معیشتی، کاهش هزینه‌های زندگی و تأمین امنیت معیشتی مرتبط بود اما به صورت خیلی سریع حالت رادیکال به خود گرفت و جریان‌های خارجی مطالبات را به سمت براندازی تغییر دادند.

- روند رادیکال شدن مطالبات:** اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ابتدا با خواسته‌های اقتصادی آغاز شد اما در طول اعتراضات، برخی شعارهای رادیکال ضدحکومتی مطرح شد و معترضان به طور مستقیم خواستار تغییر حکومت شدند.
- رسانه‌ها و روایت اعتراض:** رسانه‌های داخلی سعی کردند اعتراضات را با رویکردی براندانه پوشش دادند. شبکه‌های اجتماعی در داخل و خارج از کشور نقش مهمی در گسترش اعتراضات ایفا کردند.

- تغییر در ادبیات و نمادهای اعتراض:** اعتراضات آبان ۱۳۹۸ با شعارهایی همچون «نه غزه، نه لبنان» و «ایران را پس می‌گیریم» همراه بود. این شعارها نشان‌دهنده ترکیبی از اعتراضات اقتصادی و براندازی بود که در ادامه بویژه در میان اقشار متوسط و پایین جامعه شدت یافت.

- ندام و یا گسست:** گسترش آشوب آبان ۱۳۹۸ نیروی انتظامی را مجبور به دستگیری‌های گسترده کرد و اعتراضات خاموش شد، اگر چه پیلمدهای آن هنوز در فضای اجتماعی و سیاسی ایران بویژه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی محسوس است. دولت در پی این اعتراضات سیاست‌گذاری اقتصادی خود را اصلاح کرد.

التهابات پاییز۱۴۰۱که به «زن، زندگی، آزادی» معروف شد؛ ۱۴۰۱

- نوع کنشش اعتراضی:** غالیه «زن، زندگی، آزادی» بیشتر به صورت تجمعات خیابانی و کنش‌های نمادین نظیر سوزاندن روسری نمود یافت. درگیری‌های سریع و پراکنده خیابانی و حمله به نیروهای انتظامی و مدافع امنیت در این حادثه بشدت برجسته بود.
- مطالبات اصلی معترضان:** خواسته اولیه معترضان لغو قوانین حجاب و مطالبه آزادی‌های بیشتر بود. از همین لایه نماند و حتی نوعی القای فروپاشی به افکار عمومی شکل گرفت.
- روند رادیکال شدن مطالبات:** در ابتدا مطالبات بیشتر حول آزادی‌های فردی متمرکز بود اما بتدریج مطالبات به سمت تغییر ساختار کلی حکومت رفت. برخی معترضان به سمت اعتراضات رادیکال‌تر رفتند و به مطالبه تجزیه ایران پرداختند.
- رسانه‌ها و روایت اعتراض:** این اعتراضات به طور گسترده‌ای در رسانه‌های خارجی و داخلی بازتاب یافت. رسانه‌های بین‌المللی نظیر اینترنشنال، Al Jazeera و BBC، آزادی را حمایت کردند. رسانه‌ها داخلی در ابتدا نسبت به اعتراضات همراهی کردند اما در ادامه با مشخص شدن نیت گردانندگان، به معرفی ماهیت حادثه و مخاطرات آن پرداختند. در این رابطه فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی نقش اساسی را در سازمان‌دهی و تولید شایعه‌ها بویژه با تمرکز بر کشته شدن و قرار مسؤولان ایفا کردند.
- تغییر در ادبیات و نمادهای اعتراض:** یکی از ویژگی‌های این اعتراضات، استفاده برجسته و پرتکرار از نمادها بود. شعارهایی مانند «زن، زندگی، آزادی» و تصاویری از زنان بدون حجاب به عنوان نماد اعتراض به کار برده شد. همچنین استفاده از موسیقی و فیلم‌های کوتاه بویژه در فضای مجازی، در گسترش این اعتراضات مؤثر بود.
- ندام و یا گسست:** این اعتراضات که از ابتدا نیز چندان میدانی نبود، به طور مداوم در فضای مجازی و رسانه‌ها ادامه یافت. از سویی تلاش برای تغییر حکومت و تجزیه‌طلبی با عدم همراهی افکار عمومی و مردم پایان یافت.

ایران معاصر، از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تاکنون، همواره درگیر تعامل پیچیده‌ای میان تحولات داخلی، فشارهای منطقه‌ای و تحرکات معارضانه بوده است. بررسی روندهای گذشته، در کنار رصد هوشمندانه تحولات میدانی و بهره‌گیری از بیانات روشنگرانه رهبر معظم انقلاب، امکان ترسیم افق آینده را با دقتی فزون‌تر فراهم می‌کند. بر همین اساس، تحلیل دقیق‌تر از بسترهای اعتراضات گذشته و شناخت گفتمان‌های فعال در جامعه امروز، ضرورتی است که می‌تواند در تبیین ماهیت احتمالی اعتراضات آتی یاری‌رسان باشد.

- روندشناسی اعتراضات در ۴ دهه گذشته**

بررسی سیر تحولات اعتراضی پس از انقلاب نشان می‌دهد در هر دهه، یک نوع خاص از گفتمان بر فضای عمومی جامعه غالب بوده و نوع مطالبات و شکل اعتراضات نیز متأثر از آن گفتمان بوده است.

دهه نخست (۱۳۴۷–۱۳۵۷): این دوره، عصر غلبه گفتمان‌های ایدئولوژیک انقلابی بود. در این فضا حتی اعتراضات نیز با ادبیات ایدئولوژیک شکل می‌گرفتند. نمونه بارز آن، تحرکات گروهک منافقین است که در بستر مقابله با نظام اسلامی و با تکیه بر ادعاهای عدالت‌خواهنه و ضد استکباری ظاهر شد اما در عمل در خدمت اهداف دشمنان نظام قرار گرفت.

دهه دوم و سوم (۱۳۸۸–۱۳۴۸): اگرچه در ابتدای دهه ۶۰ شاهد رخدادهایی مانند تصرف خانه‌ها توسط برخی اقشار آسیب‌پذیر بودیم اما وجه غالب اعتراضات این دهه، سیاسی و در ارتباط با فرآیندهای حکمرانی و مشارکت بود. وقایعی چون تحرکات ۱۸ تیر ۷۸ و فتنه ۸۸ در این دسته قرار می‌گیرد.

دهه چهارم به بعد (۱۳۹۰ به بعد): اعتراضات این دوره بیش از پیش رنگ و بوی اجتماعی-معیشتی به خود گرفت؛ مطالباتی که گاه به دلیل فشار اقتصادی و گاه به واسطه نارضایتی از تصمیم‌گیری‌های غافلگیرانه شکل گرفت. اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ نمونه‌های مشخصی در این باره هستند.

سال‌های اخیر (از ۱۴۰۰ تاکنون): وجه نوینی از مطالبات اجتماعی –آزادی‌خواهنه نیز ظهور یافتند که با پاییز ۱۴۰۱ به اوج خود رسید. این اعتراضات نه‌تنها از طبقات جوان و زنان تغذیه می‌شدند، بلکه خواستار تغییرات ساختاری در سیاست‌های کلان و حتی قانون اساسی بودند.

بنابراین می‌توان اعتراضات پس از انقلاب را در ۴ طبقه اصلی خلاصه کرد:

ایدئولوژیک: همچون تحرکات منافقین در دهه ۶۰

سیاسی: نمونه‌اش وقایع ۷۸ و ۸۸

اجتماعی- معیشتی: نظیر دی ۹۶ و آبان ۹۸

اجتماعی- با ادعای آزادی‌خواهنه: نظیر اعتراضات ۱۴۰۱

- تحلیل مسیریهای محتمل اعتراضی در آینده**

با فرض امکان طراحی مجدد یک پروژه آشوب مانند آنچه در فتنه ۸۸ رخ داد، محتمل‌ترین قالب اعتراضات آتی، شکلی از بحران اجتماعی-سیاسی خواهد داشت. جریان‌های معارض، با تجربه‌های گذشته، دریافتند ورود به میدان در بسترهای دینی –ایدئولوژیک یا صرفاً سیاسی، با چالش‌های جدی از سویی بدنه مؤمن و انقلابی ملت ایران مواجه می‌شود. لذا مسیر اجتماعی –سیاسی بویژه از منظر افکار عمومی تحریک‌پذیرتر، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

از سویی دیگر، مدل کنش سیاسی و رویکرد ناسیونالیستی آمریکا بویژه در دوره رامپ و حتی ادامه آن در تحرکات رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای، نشان می‌دهد پروژه‌های جدید، بر مبنای برندسازی رسانه‌ای و تحریک احساسی طراحی خواهد شد.

در همین راستا باید به چند نکته مهم توجه ویژه داشت:

۱- جهت گسترش اعتراضات در اغلب موارد از هر مرکز به پیرامون بوده، اگرچه در دی‌ماه ۹۶ شاهد مدلی متفاوت بودیم که از شهرهای کوچک آغاز شد اما تجربه نشان داد بدون پشتیبانی ساختاری، این نوع اعتراضات خیلی زود فروکش می‌کند. ۲- تصمیمات ناگهانی در ساختار اجرایی، مانند آنچه در آبان ۹۸ با افزایش قیمت بنزین رخ داد، می‌تواند به شوک اجتماعی منجر شد و اعتراضات را شعله‌ور کند؛ البته به نظر می‌رسد اکنون سیاست‌گذاران با آگاهی از این تجربه، احتیاط بیشتری در تصمیم‌سازی دارند.

۳- ظرفیت تحریک‌پذیری عاطفی جامعه ایرانی بویژه در بزنگاههایی که یک چهره انسانی از ظرفیت تحریک‌پذیر اعتراضی مدعی می‌شود، بسیار بالاست. واکنش شدید مردم به تحرکات قوم‌گرایانه نوروزی را، قتل داخراش یک دانشجو، نشان می‌دهد خطوط قرمز مردم در این ۲۰ محور (غیرت ملی و عاطفه انسانی) قابل تحریک است. ۴- جریان دشمنمن ۴ ابزار کلیدی را برای بر هم زدن ثبات اجتماعی در ایران به کار گرفته است:

- تحریم اقتصادی برای ایجاد فشار معیشتی

- رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی معارض برای ساخت و تقویت روایت‌های براندازانه - نفوذ در جریان‌های داخلی منفعل یا به ظاهر معتقد برای اشکاف میان مردم و حاکمیت

- بهره‌گیری از لحظات احساسی برای انتقال صحنه از فضای مجازی به خیابان

- موضوعات برجسته امروز و نسبت آنها با احتمال اعتراض**

مساله آبه: اگرچه کم‌ابی دغدغه‌ای جدی است با ناکارآمدی مدیریت پیوند خورده اما همچنان فاقد ظرفیت تهییج اعتراضی جدی است. اگر توجه داشته باشیم در چند ماه اخیر نخست تصاویر متعددی از سدهای تهران و البرز منتشر و تلاش شد خالی بودن ظرفیت سد‌ها عملی برای تهییج افکار عمومی باشد. در ادامه ماجرای انتقال آب استان اصفهان به یزد مطرح و با قطع لوله آب مردم یزد توسط برخی کاشورزان اصفهانی همراه شد.

ماندگار یا جنگ: این دوگانه اگرچه در گذشته به ابزاری انتخابیانی بدل شده بود اما به نظر نمی‌رسد در شرایط فعلی با اقبال گسترده اجتماعی مواجه شود ولی نباید از ظرفیت‌ها و کارکردهای آن در مساله دوقطبی‌سازی غافل شد. تجربه جدی مواجهه با ماندگار یا جنگ و اصطلاحاً سایه جنگ نخستین‌بار سال ۹۲ توسط حسن روحانی برجسته شد. وی برای کسب رای این دوقطبی را ساخت و امروز نیز شاهد آن هستیم با توجه به تحرکات آمریکا در منطقه و وحشی‌گری رژیم صهیونیستی این موضوع در حال داغ شدن است.

درگیری‌های قومیتی: به دلیل بودن آن با تجزیه‌طلبی، همواره از سوی ملت ایران طرد شده و امکان نراتیجی‌کنی عمومی در سطح ملی را ندارد اما به طور کلی طرح بحث‌هایی مانند آموزش به زبان مادری در مدت اخیر که الگوی آن مشابه تحولات قومیتی ابتدای انقلاب بود، نشان داد این بستر همچنان دارای کارکردهای خود است. همچنین دوگانه‌سازی پیرامون این دین که در ابتدای نوروز اسمال شاهد تفاوت دارد: در برخی حرمت شبکه‌ها افکار عمومی را به این سمت برد که امکان برخی درگیری‌های قومیتی در کشور فعال است.

دوقطبی‌سازی‌های هدفمند: «ماندگار یا جنگ»، «فیلتري یا آزادی اینترنت»، «حاکمیت یا جامعه»، «حجاب یا آزادی فردی» و… ظرفیت بالایی برای تحریک فضای اجتماعی دارند. بویژه اگر از سوی برخی جریان‌های سیاسی داخلی با هدف فشار به نظام بازنمایی شوند. این مساله یکی از خطرناک‌ترین موضوعاتی است که در حال حاضر در جامعه شاهد آن هستیم. رسانه‌های حامی دولت به طور ویژه‌ای بر این موضوع تمرکز کرده‌اند و کوچک‌ترین اظهارات و کنش‌ها در جامعه از سوی رسانه‌های غیرمنتظره با اظهار نگرانی حاشیه‌ساز در سطح امنیت ملی، پتانسیل در این رابطه لازم به تأکید است که در گفتمان رسمی انقلاب اسلامی، تفکیک میان منتقد درون نظام و معارض برانداز اهمیت ویژه‌ای دارد. هرچند جریان‌های اصلاح‌طلب، از نظر ساختاری با گروه‌هایی که صراحتاً خواستار فروپاشی نظامند تفاوت دارند: اما در بزنگاه‌هایی، برخی عناصر این جریان‌ها می‌توانند با روایت‌سازی ناصحیح، ناخواسته در زمین دشمن بازی کنند و حتی در مواردی همراهی می‌کنند.

- پیش‌بینی بهانه‌های محتمل برای اعتراض آینده**

۱- **شوک سیاسی:** بیشتر از شوک اقتصادی، کنش‌های سیاسی ناگهانی (نظیر استفاده‌های غیرمنتظره با اظهار نگرانی حاشیه‌ساز در سطح امنیت ملی) پتانسیل بالاتری برای شکل‌گیری اعتراض دارد. به نظر می‌رسد تجربه سال ۹۸ دیگر اجازه تصمیم‌های ناگهانی برای اقتصاد را به دولت نمی‌دهد. جامعه در حال حاضر تحمل رفتارهایی که اقتصاد کشور را دچار یک تحول سریع مرتبط با معیشت کند ندارد، لذا شوک سیاسی بیش از شک اقتصادی برای زمینه‌سازی برخی از اعتراض‌ها محتمل است.

۲- **مسئله حجاب:** اگرچه در سال ۱۴۰۱ به اوج خود رسید اما اکنون به دلیل آشکار شدن اهداف براندازانه برخی جریان‌ها، برای بخش زیادی از مردم دیگر جدلیات

شنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۲۸۶

سیاسی

تحلیل زمینه‌های اعتراضات احتمالی آینده در ایران: نگاهی واقع‌گرایانه بر پایه ر وندهای گذشته

اعتراضی ندارد، هر چند مساله زنان و نقش آن در شکل‌گیری موج اعتراضی را نباید نادیده گرفت یا کم اهمیت دانست. زنانه شدن عرصه عمومی به طور ویژه‌ای بعداز سال ۱۴۰۱ نشان داد مسائل پیرامون زنان همچنان ظرفیت‌های گسترده‌ای برای شکل‌گیری جریان‌های جدید دارد. مخصوصاً اگر نوجوان باشد.

۳- **خودسر‌ها:** در سال‌های اخیر واژه «خودسر‌ها» بشدت برجسته شده است. این مفاهیم در زمینه دخالت‌های نامناسب افراد غیرمسئول در امور اجتماعی و سیاسی به طور مستمر در فضای عمومی مطرح می‌شود. هر گونه فعالیت غیرقانونی در این زمینه که موجب نقض حقوق فردی و آزادی‌های مدنی شود، می‌تواند بهانه‌ای برای اعتراضات جدید باشد. حساسیت مردم نسبت به این موضوع بویژه پس از برخی رخدادهای دانشگاه‌ها و خیابان‌ها نشان می‌دهد این مساله همچنان توانایی تحریک افکار عمومی را دارد.

۴- **دانشگاه‌ها:** به دلیل خاستگاه جوان و پرتحرک خود، همواره بستری آماده برای شروع اعتراضات هستند. ماجرای قتل یک دانشجو در کوی دانشگاه توسط ۲ سارق نشان داد تنش در دانشگاه بهانه بسیار مطلوبی برای آغاز تجمع‌ها و کنشیده شدن آن به خیابان‌ها است. همان زمان نیز بحث لباس شخصی‌ها در دانشگاه داغ شد و همراهی روسای یکی از دانشگاه با دانشجو‌ها و برجسته‌سازی این موضوع نشان داد دانشگاه به احتمال زیاد زمینه‌ساز تحولاتی در آینده است.

۵- **کارگران و مطالبات معیشتی:** همچنان یکی از پایه‌های اصلی اعتراضات اجتماعی محسوب می‌شود، اگرچه اقدامات حمایتی اخیر دولت و افزایش حقوق کارگران، این فضا را تا حدی کنترل کرده است.

۶- **مسائل قومیتی یا زبانی:** هر چند خود به تنهایی پتانسیل اعتراضی ندارد اما در قالبی از دوگانه‌سازی فرهنگی یا هویتی، ممکن است از سوی دشمن به عنوان جرقه‌ای برای اعتراض استفاده شود. در این رابطه شاهد تکرار برخی مسائل قومیتی مانند درخواست آموزش به زبان مادری که در ابتدای انقلاب نیز تا حدودی کنش‌هایی را در جامعه ایجاد کرد، هستیم. اگر چه خود به تنهایی نمی‌تواند بهانه اعتراض باشد اما طرح بحث‌های اعتراضی که در مدت اخیر رخ داد می‌تواند این مساله را برجسته کند و در دسته دوقطبی‌های خطر‌ساز بگنجاند.

۷- **اعدام:** یکی از موضوعاتی که همواره در شبکه‌های اجتماعی برای دشمنان ظرفیت‌ساز بوده، اجرای حکم اعدام بوده است. این مساله نیز از جمله موضوعاتی است که کاملاً ظرفیت برنامه‌ریزی را دارد. هرچند در گذشته نتوانسته جریان اعتراضی میدانی را ایجاد کند.

۸- **محیط زیست:** محیط زیست از آن دست موضوعات دست نخورده و بکر است که در سال‌های اخیر شبکه‌های‌های جدی پیرامون آن شده است. این موضوع تا حدودی با مساله گسترش‌ی نیز گره خورده و ظرفیت‌های ویژه‌ای برای جریان‌سازی دارد. سابقه دستگیری جاسوسانی که به بهانه محیط زیست فعال بوده‌اند و مساله جمعیت امام علی نیز نشان داد این مساله ظرفیت‌هایی نهفته برای تحریک افکار عمومی دارد.

- سناریوی محتمل برای اعتراضی آینده از منظر گفتمان دشمن**

اگر چه وضعیت کنونی هنوز به طور کامل شفاف نیست و فضا هنوز قابل پیش‌بینی نیست اما همان‌طور که تاریخ نشان داده، دشمنان ایران همواره به دنبال بر هم زدن ثبات داخلی با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خارجی بوده‌اند. در این راستا باید به طور ویژه به هشدارها و تهدیدهای خارجی و داخلی توجه کرد. در مواجهه با هر گونه تغییر در کشور یا مواجهه با قدرت و تحویل در سطح سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی، دشمنان ایران تلاش کرده‌اند با بهره‌برداری از نقاط ضعف موجود، اغتشاشات و بحران‌های اجتماعی را برانگیزند.

در این مسیر، واژه «فتنه» در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی به طور خاص به بحران‌های پیچیده‌ای اشاره دارد که ممکن است در ظاهر به عنوان مطالبات مردمی شروع شود اما در نهایت هدف آن تغییرات بنیادین و حتی براندازی نظام است. فتنه ۸۸ نمونه‌ای از این بحران‌ها بود که این اعتراضات مردمی شروع شد اما به سرعت به عنوان یک بحران سیاسی، اجتماعی در خدمت دشمن قرار گرفت. بنابراین هر گونه حرکت اعتراضی یا بحران اجتماعی که در آینده به وجود آید، باید از منظر گفتمان دشمن در ۲ بعد زیر تحلیل شود:

رنگ و لعاب دردمی و مطالبه‌گر: یکی از ویژگی‌های بارز هر گونه اعتراض سازمان‌دهی‌شده در آینده، این صورت بود که در ظاهر به صورت حرکت‌هایی مردمی و مطالبه‌گر به نمایش درمی‌آید اما در پس آن شبکه‌های منسجم و سازمان‌دهی‌های خارجی وجود دارد که از بیرون بویژه از سوی دشمنان ایران هدایت می‌شود. هدف اصلی آن، ایجاد فضایی اجتماعی است که در آن مردم به طور گسترده به سمت اعتراضات و بحران‌ها سوق یابند.

نقش جوانان وزنان: در دنیای امروز، جوانان بویژه زنان به عنوان پیشران‌های اصلی اعتراضات و تغییرات اجتماعی شناخته می‌شوند. بنابراین در هر سناریوی محتمل اعتراضات آینده، توجه به نقش ویژه‌ای که این گروه‌ها می‌توانند در سازمان‌دهی و گسترش اعتراضات ایفا کنند، امری حیاتی است. این زمینه، توجه به دغدغه‌های زنان در مسائل اجتماعی و فرهنگی، مانند حجاب و حقوق برابر می‌تواند یکی از محرک‌های اصلی برای اعتراضات جدید باشد.

در این رابطه نباید «شکست آمریکا برای ایجاد تابستان داغ» را نادیده گرفت. در ماه‌های تابستان که تحرک اجتماعی و دعای روانی جامعه افزایش می‌یابد باید توجه داشت زمان بسیار خوبی برای ایجاد برخی فتنه‌انگیزی‌هاست.

بر اساس روندشناسی وقایع، هر گونه فتنه جدید، تلاش خواهد کرد نسبت به آشوب‌های ۱۴۰۱، پیچیده‌تر، تیزتر و فرسایشی‌تر باشند. از این رو، پیش‌بینی می‌شود: -شکست‌ها آن را بارقه اصفهان شهری، بویژه در تهران باشد.

-محور اولیه، موضوعی با بار فرهنگی، اجتماعی نظیر زنان یا دانشگاه‌ها باشد.

- رنگ و لعاب آن «هردمی» و «مطالبه‌گر» اما با پشت پرده‌ای از هدایت شبکه‌ای و سازمان‌یافته باشد.

-قشر نوجوان در آن نقش ویژه‌ای داشته باشد.

-شکل‌گیری آن بر پایه دوقطبی‌سازی‌ها باشد.

- چرا اعتراضات به نتیجه مطلوب دشمن نمی‌رسد؟**

طبق نتایج اغلب نظرسنجی‌های منتشرشده از سوی مراکز افکار‌سنجی، اغلب مردم ایران خواهان حفظ یکپارچگی کشور هستند و حساسیت بالایی نسبت به هرگونه تحرکات تجزیه‌طلبانه دارند. هرچند اعتراضات تندی نیز دارند، مهم‌ترین عامل نارضایتی آنها «عدم شفافیت در تصمیم‌گیری» و «غافل‌گیری مردم» بوده است که به دنبال اصلاح امور هستند. تجربه سال‌های گذشته بویژه سال ۱۴۰۱ نشان داده مردم ایران حتی در اوج نارضایتی نیز تمایلی به فروپاشی و براندازی ندارند. دولت روشن است حرکت شبکه‌ها افکار عمومی را به این سمت برد که امکان برخی درگیری‌های قومیتی در کشور فعال است.

دوقطبی‌سازی‌های هدفمند: «ماندگار یا جنگ»، «فیلتري یا آزادی اینترنت»، «حاکمیت یا جامعه»، «حجاب یا آزادی فردی» و… ظرفیت بالایی برای تحریک فضای اجتماعی دارند. بویژه اگر از سوی برخی جریان‌های سیاسی داخلی با هدف فشار به نظام بازنمایی شوند. این مساله یکی از خطرناک‌ترین موضوعاتی است که در حال حاضر در جامعه شاهد آن هستیم. رسانه‌های حامی دولت به طور ویژه‌ای بر این موضوع تمرکز کرده‌اند و کوچک‌ترین اظهارات و کنش‌ها در جامعه از سوی رسانه‌های غیرمنتظره با اظهار نگرانی حاشیه‌ساز در سطح امنیت ملی، پتانسیل در این رابطه لازم به تأکید است که در گفتمان رسمی انقلاب اسلامی، تفکیک میان منتقد درون نظام و معارض برانداز اهمیت ویژه‌ای دارد. هرچند جریان‌های اصلاح‌طلب، از نظر ساختاری با گروه‌هایی که صراحتاً خواستار فروپاشی نظامند تفاوت دارند: اما در بزنگاه‌هایی، برخی عناصر این جریان‌ها می‌توانند با روایت‌سازی ناصحیح، ناخواسته در زمین دشمن بازی کنند و حتی در مواردی همراهی می‌کنند.

- پیش‌بینی بهانه‌های محتمل برای اعتراض آینده**

۱- **شوک سیاسی:** بیشتر از شوک اقتصادی، کنش‌های سیاسی ناگهانی (نظیر استفاده‌های غیرمنتظره با اظهار نگرانی حاشیه‌ساز در سطح امنیت ملی) پتانسیل بالاتری برای شکل‌گیری اعتراض دارد. به نظر می‌رسد تجربه سال ۹۸ دیگر اجازه تصمیم‌های ناگهانی برای اقتصاد را به دولت نمی‌دهد. جامعه در حال حاضر تحمل رفتارهایی که اقتصاد کشور را دچار یک تحول سریع مرتبط با معیشت کند ندارد، لذا شوک سیاسی بیش از شک اقتصادی برای زمینه‌سازی برخی از اعتراض‌ها محتمل است.

۲- **مسئله حجاب:** اگرچه در سال ۱۴۰۱ به اوج خود رسید اما اکنون به دلیل آشکار شدن اهداف براندازانه برخی جریان‌ها، برای بخش زیادی از مردم دیگر جدلیات

۳- **خودسر‌ها:** در سال‌های اخیر واژه «خودسر‌ها» بشدت برجسته شده است. این مفاهیم در زمینه دخالت‌های نامناسب افراد غیرمسئول در امور اجتماعی و سیاسی به طور مستمر در فضای عمومی مطرح می‌شود. هر گونه فعالیت غیرقانونی در این زمینه که موجب نقض حقوق فردی و آزادی‌های مدنی شود، می‌تواند بهانه‌ای برای اعتراضات جدید باشد. حساسیت مردم نسبت به این موضوع بویژه پس از برخی رخدادهای دانشگاه‌ها و خیابان‌ها نشان می‌دهد این مساله همچنان توانایی تحریک افکار عمومی را دارد.

۴- **دانشگاه‌ها:** به دلیل خاستگاه جوان و پرتحرک خود، همواره بستری آماده برای شروع اعتراضات هستند. ماجرای قتل یک دانشجو در کوی دانشگاه توسط ۲ سارق نشان داد تنش در دانشگاه بهانه بسیار مطلوبی برای آغاز تجمع‌ها و کنشیده شدن آن به خیابان‌ها است. همان زمان نیز بحث لباس شخصی‌ها در دانشگاه داغ شد و همراهی روسای یکی از دانشگاه با دانشجو‌ها و برجسته‌سازی این موضوع نشان داد دانشگاه به احتمال زیاد زمینه‌ساز تحولاتی در آینده است.

۵- **کارگران و مطالبات معیشتی:** همچنان یکی از پایه‌های اصلی اعتراضات اجتماعی محسوب می‌شود، اگرچه اقدامات حمایتی اخیر دولت و افزایش حقوق کارگران، این فضا را تا حدی کنترل کرده است.

۶- **مسائل قومیتی یا زبانی:** هر چند خود به تنهایی پتانسیل اعتراضی ندارد اما در قالبی از دوگانه‌سازی فرهنگی یا کاذب، ممکن است از سوی دشمن به عنوان جرقه‌ای برای اعتراض استفاده شود. در این رابطه شاهد تکرار برخی مسائل قومیتی مانند درخواست آموزش به زبان مادری که در ابتدای انقلاب نیز تا حدودی کنش‌هایی را در جامعه ایجاد کرد، هستیم. اگر چه خود به تنهایی نمی‌تواند بهانه اعتراض باشد اما طرح بحث‌های اعتراضی که در مدت اخیر رخ داد می‌تواند این مساله را برجسته کند و در دسته دوقطبی‌های خطر‌ساز بگنجاند.

۷- **اعدام:** یکی از موضوعاتی که همواره در شبکه‌های اجتماعی برای دشمنان ظرفیت‌ساز بوده، اجرای حکم اعدام بوده است. این مساله نیز از جمله موضوعاتی است که کاملاً ظرفیت برنامه‌ریزی را دارد. هرچند در گذشته نتوانسته جریان اعتراضی میدانی را ایجاد کند.

۸- **محیط زیست:** محیط زیست از آن دست موضوعات دست نخورده و بکر است که در سال‌های اخیر شبکه‌های‌های جدی پیرامون آن شده است. این موضوع تا حدودی با مساله گسترش‌ی نیز گره خورده و ظرفیت‌های ویژه‌ای برای جریان‌سازی دارد. سابقه دستگیری جاسوسانی که به بهانه محیط زیست فعال بوده‌اند و مساله جمعیت امام علی نیز نشان داد این مساله ظرفیت‌هایی نهفته برای تحریک افکار عمومی دارد.

سناریوی محتمل برای اعتراضی آینده از منظر گفتمان دشمن

اگر چه وضعیت کنونی هنوز به طور کامل شفاف نیست و فضا هنوز قابل پیش‌بینی نیست اما همان‌طور که تاریخ نشان داده، دشمنان ایران همواره به دنبال بر هم زدن ثبات داخلی با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خارجی بوده‌اند. در این راستا باید به طور ویژه به هشدارها و تهدیدهای خارجی و داخلی توجه کرد. در مواجهه با هر گونه تغییر در کشور یا مواجهه با قدرت و تحویل در سطح سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی، دشمنان ایران تلاش کرده‌اند با بهره‌برداری از نقاط ضعف موجود، اغتشاشات و بحران‌های اجتماعی را برانگیزند.

در این مسیر، واژه «فتنه» در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی به طور خاص به بحران‌های پیچیده‌ای اشاره دارد که ممکن است در ظاهر به عنوان مطالبات مردمی شروع شود اما در نهایت هدف آن تغییرات بنیادین و حتی براندازی نظام است. فتنه ۸۸ نمونه‌ای از این بحران‌ها بود که این اعتراضات مردمی شروع شد اما به سرعت به عنوان یک بحران سیاسی، اجتماعی در خدمت دشمن قرار گرفت. بنابراین هر گونه حرکت اعتراضی یا بحران اجتماعی که در آینده به وجود آید، باید از منظر گفتمان دشمن در ۲ بعد زیر تحلیل شود:

رنگ و لعاب دردمی و مطالبه‌گر: یکی از ویژگی‌های بارز هر گونه اعتراض سازمان‌دهی‌شده در آینده، این صورت بود که در ظاهر به صورت حرکت‌هایی مردمی و مطالبه‌گر به نمایش درمی‌آید اما در پس آن شبکه‌های منسجم و سازمان‌دهی‌های خارجی وجود دارد که از بیرون بویژه از سوی دشمنان ایران هدایت می‌شود. هدف اصلی آن، ایجاد فضایی اجتماعی است که در آن مردم به طور گسترده به سمت اعتراضات و بحران‌ها سوق یابند.

نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها: در این اعتراضات برخلاف اعتراضات قبلی، رهبری خاصی به طور واضح وجود نداشت. اعتراضات به صورت خودجوش و بدون رهبری مشخص از سوی احزاب سیاسی یا گروه‌های مدنی شکل گرفت.

بستر اعتراض: اعتراضات عمدتاً معیشتی بود بویژه در زمینه مشکلات اقتصادی، بیکاری و فساد

جغرافیای اعتراض: اعتراضات ابتدا در مشهد شروع شد و به سرعت به شهرهای بزرگ گسترش یافت. شهرهایی مانند تهران، اصفهان، کرج، شیراز، تبریز و اهواز نیز شاهد تظاهرات و درگیری‌های خیابانی بودند.

قشر معترض: عمدتاً طبقات فقیر، کارگران و جوانان با دغدغه‌های اقتصادی و معیشتی؛ قشرهای مختلفی که به مشکلات اقتصادی روزمره و بی‌ثباتی معیشتی معترض بودند.

صنف معترض: کارگران، افراد طبقه پایین اقتصادی و اقشار کم‌درآمد که بیشترین فشار اقتصادی را متحمل شده بودند.

طبقه یا کارگزار معترض: طبقات پایین، کارگران و بعضاً بازاریان که از شرایط اقتصادی و سیاست‌های دولتی ناراضی بودند.

نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها: این اعتراضات برخلاف اعتراضات قبلی، رهبری خاصی به طور واضح وجود نداشت. اعتراضات به صورت خودجوش و بدون رهبری مشخص از سوی احزاب سیاسی یا گروه‌های مدنی شکل گرفت.

بستر اعتراض: اعتراضات عمدتاً معیشتی بود بویژه در زمینه مشکلات اقتصادی، بیکاری و فساد

جغرافیای اعتراض: اعتراضات ابتدا در مشهد شروع شد و به سرعت به شهرهای بزرگ گسترش یافت. شهرهایی مانند تهران، اصفهان، کرج، شیراز، تبریز و اهواز نیز شاهد تظاهرات و درگیری‌های خیابانی بودند.

قشر معترض: عمدتاً طبقات فقیر، کارگران و جوانان با دغدغه‌های اقتصادی و معیشتی؛ قشرهای مختلفی که به مشکلات اقتصادی روزمره و بی‌ثباتی معیشتی معترض بودند.

صنف معترض: کارگران، افراد طبقه پایین اقتصادی و اقشار کم‌درآمد که بیشترین فشار اقتصادی را متحمل شده بودند.

طبقه یا کارگزار معترض: طبقات پایین، کارگران و بعضاً بازاریان که از شرایط اقتصادی و سیاست‌های دولتی ناراضی بودند.

نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها: در این اعتراضات برخلاف اعتراضات قبلی، رهبری خاصی به طور واضح وجود نداشت. اعتراضات به صورت خودجوش و بدون ره